

باتلاق نظامی در عراق و افغانستان

نوشته Brendan SMITH و Jeremy BRECHER

لوموند دیپلماتیک ir.mondediplo.com

برگردان :

[Saïd Iravanipour سعید ابروانی یور](#)

در ایالات متحده همانند اروپا معمولاً جنبش‌های حمایت از صلح به جناح چپ انتصاب داده میشود. اما پیدایش جریان مخالفت با جنگ در میان راست‌گرایان که در ابتدا بسیار ضعیف بود این گروه بندی را رد میکند. شکست فاجعه آمیز جنگ عراق، در حال تغییر این جویبار به رودخانه عظیمی است. این پدیده میتواند سرکردگی محافظه کاران را در سیاست آمریکا تهدید نماید.

در زمان جنگ سرد توافق بر سر مسابقه تسلیحاتی و رویارویی با کمونیسم، اکثریت آمریکاییان را متحد ساخته بود. محافظه کارانی نظیر سناتور بری گلدواتر کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۶۴ و هوادار تشدید جنگ ویتنام در آن زمان، مدافعان سرسخت این سیاست بودند.

ولی لیبرالهایی همچون جان اف کندی که در سال ۱۹۶۳ به قتل رسید و جانشین وی لیندن ب. جانسون، از نوامبر ۱۹۶۳ تا ژانویه ۱۹۶۹ (تاریخی که ریچارد نیکسون در کاخ سفید جایگزین وی گردید) نیز به همان روش جنگ طلبانه امور را اداره میکردند.

شکست فاحش آمریکا در ویتنام گواه آن است که جنبش ضد جنگ، در نهایت به رهبری حزب دمکرات منجر شد. محافظه کاران مسئولیت این شکست را بر گردن «خنجر از پشت زدن» جنبش صلح طلبان و مترقی می نهادند. زمانی که دولت بوش تصمیم به حمله به عراق گرفت از حمایت بی دریغ جمهوریخواهان برخوردار گردید، در مقابل، بیش از نیمی از نمایندگان دمکرات کنگره، بر علیه تصویب قطعنامه اعلام جنگ، رأی دادند. (۱)

در همین زمان، اقلیت ناچیزی از محافظه کاران به مخالفان پیوستند. پاتریک بوکان کاندیدای ریاست جمهوری در سالهای ۱۹۹۲ و ۲۰۰۰ و تهیه کننده متون سخنرانیهای ریچارد نیکسون اعلام نمود: «جنبش جمهوریخواهان منحرف گشته و تبدیل به ایدئولوژی مرزهای باز، جهانگرا و مداخله گرانه گردیده و دیگر آن جریان محافظه کارانه ای نیست که من با آن بزرگ شدم» (۲) و هشدار میدهد: «ما بزودی جنگ امپریالیستی بر علیه عراق با همان تهوری که "پو آلوها" و "تامی ها" بریتانیایی، که در اوت ۱۹۱۴ به برلن رفتند، آغاز خواهیم نمود»، وی می افزاید: «هنگامیکه صدام حسین شکست خورد، نو محافظه کاران که بی صبرانه در انتظار جنگ چهارم جهانی میباشند (جنگ سوم مبارزه بر علیه کمونیسم بوده) جنگهایی به شیوه جراحی و کوتاه، بر علیه سوریه و ایران آغاز خواهند نمود» (۳). نماینده فوق لیبرال، ران پل، نیز بر علیه قطعنامه جنگ عراق رأی داد (وی همچنین طرفدار کناره گیری آمریکا از سازمان ملل متحد میباشد)

طرد ریاست جمهوری امپراطور ماب!

در میان محافظه کاران مخالف جنگ، از همه جالبترشان گروهی است که سایت اینترنتی «آنتی وار» (ضد جنگ) (۴) را اداره میکند و مدافع عدم مداخله و مخالف امپریالیسم می باشد، و پیشنهاد سیاست «آزاد سازی»** (یا سرمایه داری بی بند و بار آنارشیستی) را می نماید. این گروه از راندولف بورن از صاحب نظران جنگ اول جهانی که از نظرش «دولت به همت جنگ ثروتمند میگردد» و از نویسندگان محافظه کار گاره گارت از مخالفین جنگ سرد که بنظرش «تخاصم مرگباری بین دولت به مفهوم جمهوریخواه آن که نماینده مردم برپایه قانون اساسی است، و امپراطوری وجود دارد»، الهام میگیرند.

این سایت که مورد توجه بسیاری از فعالان چپ است، به طور مداوم و با جزئیات، طیف وسیعی از اخبار مربوط به مداخلات نظامی آمریکا در جهان را در اختیار میگذارد. این گروه، دشمن خستگی ناپذیر جناحهایی از جمهوریخواهان و دمکراتها است که آنها را «حزب جنگ» میخواند، و مخالفان جنگ طلبان و امپریالیسم، چه از چپ و چه از راست، را به همیاری دعوت می نماید.

هیچکسی به اندازه والتر جونز نماینده بشدت مسیحی و محافظه کار کارولینای شمالی از تسخیر عراق حمایت ننمود. هنگامی که فرانسه در مقابل حمله آمریکا موضع گرفت، وی جریانی را براه انداخت، تا تمام کافه تریا های کنگره کلمه «فرنج فرایز» (سیب زمینی سرخ کرده به سبک فرانسوی) را با کلمه «فریدوم فرایز» (سیب زمینی سرخ کرده آزادی) جایگزین کنند. دو ماه بعد همین نماینده در مراسم خاکسپاری یک سرباز جوان از حوزه انتخاباتی

وي که در نصيريه کشته شده بود، به هنگامي که همسر بازمانده اين سرباز يکي از آخرين نامه هايش را ميخواند به شدت متاثر گرديد. کمي بعد با جيمز بامفورد نويسنده کتاب «یک بهانه براي جنگ»، کتاب ضد جنگ ژنرالهاي بازنشسته و مخالف اشغال عراق، و همچنين با سيندي شيهان يکي از فعالان ضد جنگ ملاقات نمود (۵). (و در نهايت قطعنامه اي را ارائه کرد که دولت بوش را وادار به زمان بندي براي خروج از عراق مينمود (۶). وي اظهار داشت که از انتقام گيري سياسي باکي ندارد و اظهار ردا داشت: «من کاري را انجام ميدهم که فکر ميکنم خدا از من ميخواهد انجام دهد.»

درجه دارن ارتش آمريکا از محافظه کاران به شمار ميآيند، و اکثريت قريب به اتفاقشان به جمهوريخواهان رأي ميدهند، مافوقين خود را همواره حمايت کرده و به کاربرد نيروي نظامي باور دارند. با اين حال، باتي جريان محافظه کارانه قوي اي در مخالفت با مداخله يک جانبه جرج دبليو بوش گشته اند. آنتونيو زيني ژنرال بازنشسته نيروي دريائي که نيروهاي مسلح آمريکا را به مدت چهار سال در خاورميانه فرماندهي نموده بود، از ابتدای جنگ عراق، به مخالفت با آن برخاست. وي اظهار داشت: «در عراق ما به مثابه يک نيروي استعمارگر جلوه کرده ايم، خصوصاً در شرايطي که بدون مجوز سازمان ملل وارد شدیم». بنظر وي همه کساني که تجربياتي در اين منطقه دارند «ميدانستند که اين يک فاجعه خواهد بود» (۷).

همچنين بي اعتنايي و زير پا نهادن تعهدات گذشته آمريکا در مقابل قراردادهاي ژنو توسط دولت بوش، مخالفت شديدي را بر انگيخته است. زماني که آشکار گرديد که آلبرتو گونزالس، مشاور حقوقي بوش باتي اين سياست ميباشد، دوازده تن از روساي بازنشسته ارتش آمريکا، بر عليه انتخاب وي به سمت وزارت دادگستري شهادت دادند. پيشقدمي دولت در رابطه با احتمال ضربات نظامي به ايران نيز مورد استقبال واقع نشده است. پنتاگون بشدت با آن مخالفت ميورزد، و سيمور هersh در روزنامه نيويورکر گزارش داد که روساي ستاد ارتش «به توافق رسیده اند تا بصورت رسمي پيشنهادهاتي را مبني بر مخالفت مطلق شان با دور نمای اتخاذ روش هسته اي در رابطه با ايران ارائه دهند» (۸).

همچنين حمايت روشنفکران محافظه کار از دولت بوش نيز فرو مي پاشد. شاهد آن، جدائي و انشعاب تماشايي فرانسيس فوکو ياما مؤلف «پايان تاريخ و انسان واپسين» (۹) ميباشد. وي که امضاء کننده نامه اي در سال ۱۹۹۷ است که ايالات متحده را به سرنگوني صدام حسين فرا ميخواند، در ابتدای سال در مجله نيويورکر تايمز نتيجه ميگيرد: «به هنگامي که جنگ عراق وارد سومين سال ميشود بنظر قوياً غير محتمل ميرسد که تاريخ از اين مداخله و نظرات ناشي از آن به خوبي ياد نمايد»، وي ميافزايد: «دکترين بوش که چهار چوب دوره اول رياست جمهوري وي را تبیین مينمود، امروز نمايش تاسف انگيزي را ارائه ميدهد.» (۱۰)

قلب انديشمندان محافظه کاران مورد هدف واقع گرديده. از نظر ويليام باکلي، از باتيان محافظه کاري مدرن: «نمي توان ترديد داشت که آمريکا به اهداف خود در عراق دست نيافته است» (۱۱). متعاقب جنگ لبنان جرج ويل مقاله نويس معروف و محافظه کار، اراده نومحافظه کاران در جهت تغيير نقشه منطقه را مردود دانست و مي افزايد: «واقع بينان سياست خارجي براي باورند که هدف، رسيدن به ثبات در خاورميانه است. منتقدين آنها که واقعه گرايي را متهم به عدم جاه طلبی مينمايند، معتقد بودند که مسئله، ثبات است، که آن هم حل شد» (۱۲). آقاين ويليام باکلي و جرج ويل هر دو بيان داشتند که از دید آنها آقاي بوش يک محافظه کار نيست (۱۳).

بخش مهمي از عدم رضايت آنها ناشي از گسترش «رياست جمهوري امپراطور مآبانه» و بي اعتنايي دولت بوش به محدوديت هاي تحميل شده از جانب قانون اساسي بر قوه مجريه ميباشد. انجمن کاتو معروف ترين جريان فکري «آزاد سازي مطلق» گزارشي را منتشر ساخت بنام **Power surge: The constitutional Record of George W. Bush**. قدرت فزاينده: پرونده قانون اساسي جرج دبليو بوش) که در آن اين نگراني را به زبان «آزادي طلبان مطلق» مترقي مطرح ساخت. اين گزارش رشته اي از تخلفات را افشاء مينمايد: انکار آزاديهاي فردي، تخلف از قرارداد هاي بين المللي در مورد شکنجه، پايمايي حقوق برگزاراي محاکمات در مقابل هينت منصفه و نادیده انگاشتن محدوديت هاي قدرت رئيس جمهوري در زمينه جنگ. از نظر انجمن کاتو کاخ سفيد معتقد است «در زمان جنگ، همه چيز مجاز بوده و بر رياست جمهوري است که تصميم بگيرد چه زماني ماوارد جنگ شويم». يک چنين برداشتي که ميبايست «تمام بازيگران صحنه سياست را نگران سازد» به اين منجر ميگردد که «يک رئيس جمهوري ميتواند به ميل خود جنگ براه اندازد و هيچ محدوديتي نمي تواند مانع حکم وي در اعمال جنايات جنگي گردد، اگر خوشايند وي نباشد.»

تابستان گذشته، اين مشکل محافظه کاران در صحنه سياسي پديدار گرديد. کريستوفر شي يز، وکیل سرسخت طرفدار اشغال عراق، پس از آنکه شاهد شکست جوزف ليبرمن، سناتور ايالت کانک تیکا ت و از طرفداران جنگ عراق در دور مقدماتي انتخابات دمکراتها بود، جدول زمانبدي عقب نشيني نيروهاي آمريکايي را ارائه نمود (۱۴).

از جانب ديگر، سناتور جمهوريخواه وکانديداي رياست جمهوري چاک هيگل معتقد است که «وقايع عراق تکرارکامل ويتنام ميباشد». و سرنوشت کشور «توسط ملت عراق به همانگونه که در مورد ويتنام بود تعيين خواهد گرديد». «آقاي هيگل توصيه ميکند که عقب نشيني نظامي در ابتدای سال آينده آغاز شود» (۱۵).

در عين حال، ساير محافظه کاران، دولت را به عدم شدت عمل متهم مينمايند. براي آنها ايران با اتلاف وقت به دنبال دستيابي به قدرت هسته اي است، کره شمالي بدون هيچ عقوبتي به آزمائشات موشکي دست ميزند، و حزب الله در

تمام خاور میانه پیشروی می نماید.

رئیس سابق مجلس نمایندگان ، نیوت گرینویچ که ضمناً در نظر دارد در انتخابات ریاست جمهوری نیز شرکت نماید ، در مقابل سیاست تنش زدائی موضع گرفته می گوید: « ما این توهم دیپلمات ها و وکلا ، که نشانه ای از پیشرفت در مذاکرات را می بینند ، را پذیرفتیم ، در حالی که کره شمالی و ایران سرگرم تهیه بمب و موشک می باشند . مرحله بعدی برای " کوندی " (کوندولینسا رایس منشی دولت) این خواهد بود که با کیم جونگ ایل برقصد؟» (۱۶).
خنجر خوردن از پشت

حتی اگر نتوانند حضور نظامی نامحدود آمریکا در عراق را بدست آورند ، این جمهوری خواهان زمینه را به گونه ای آماده میسازند که بتوانند شکست سیاست های خود را بر گردن مخالفان و یاران نیمه راه بی اندازند. افسانه « خنجر خوردن از پشت » در گذشته نیز، در دوران پس از جنگ ویتنام به خدمت تشدید نظامی گرای محافظه کاران گرفته شده است.

تا کجا این مخالفت ها پیش خواهد رفت ؟ اگرچه فعالین آنتی وار (ضد جنگ) که بنفع رد نظامی گرای و امپریالیسم آمریکا ، مبارزه می کنند و بسیاری در جناح چپ آن را می پذیرند ، اما سایر مخالفین دست راستی نه براساس اصول اعتقادی شان بلکه فقط زمانی بر علیه جنگ موضع گرفتند که به خوبی پیش نمیرفت.
فروپاشی حمایت محافظه کاران از جنگ میتواند نتایج مهم سیاسی ای ببار آورد. استراتژی انتخاباتی جمهوریخواهان در آخرین تحلیل ، اقتضاء می نماید که افراد بر خلاف منافع خود - برنامه های اقتصادی و اجتماعی ای که از آن برخوردارند - رأی دهند.

این حرکت گمراه کننده ، زمانی مورد توجه واقع میگردد که جناح راست موفق گردد رأی دهندگان را متقاعد سازد ، که تنها سیاست سلطه گرانی است که میتواند امنیت مردم را ، در دنیای پر مخاطره امروز تضمین نماید. چگونه آنها میتوانند مردم را بر این باور نگاه دارند وقتی که خود دیگر به آن اعتقادی ندارند ؟
نماینده سابق جمهوریخواه ، جو اسکار بورو برنامه گفتگوی معروفی بر روی ام.اس.ان.بی.سی. اجراء مینماید .
اخیراً اعضاء گروه وی در این برنامه در مورد اینکه « سلامت فکری جورج دبلیو بوش باعث چه لطماتی به اعتبار آمریکا در زمینه داخلی و خارجی » شده است بحث می کردند. در همین زمان ، بر روی صفحه تلویزیون نوشته « آیا بوش یک احمق است؟ » ظاهر گردید . وقتی در این رابطه از او سؤال شد ، وی توضیح داد که بسیاری از افراد ، در رابطه با ظرفیت فکری ! رئیس جمهور ، خصوصاً در مورد عراق ، از خود سؤال میکنند. این نماینده جمهوریخواه در ابتدا ، جنگ را حمایت کرده و اکنون معتقد است که زمان آن فرا رسیده که راهی برای خاتمه آن بیابیم.

Libertarienne**

۱ (تصویب شده در اکتبر ۲۰۰۲ با ۷۷ رأی در مقابل ۲۳ در سنا ، و ۲۹۶ رأی در مقابل ۱۳۳ در مجلس نمایندگان.

۲ (، ۸ سپتامبر ۲۰۰۲ The New York Time

۳ (، سرمقاله ، آرلینگتون (ویرجینیا) ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۲ ، The American Conservative،

۴ (www.antiwar.com)

۵ (خاتم سیندی شی هان، که پسر ۲۴ ساله اش ، کیسی ، در دوم آوریل ۲۰۰۴ در عراق کشته شده، کارزار هایی را بر علیه جنگ دنبال میکند.

۶ (رابرت دري ف فوس ، < > ، مادر جونز، سائفرنسیسکو ژانویه - فوریه ۲۰۰۶ .

۷ (می ۲۰۰۴ ، ۲۶ ، < > MSNBCT

۸ (رجوع شود به مقاله آنتول لی ون << ارتش آمریکا خسته از جنگ >> لو موند دیپلوماتیک ژونن ۲۰۰۶ .

۹ (>> (، پاریس ، ۱۹۹۲ Champs فلا ماریون ، مجموعه <<

۱۰ ((فرانسیس فوکویاما ، << After neoconservatism >> The New York Times ۱۹ فوریه ۲۰۰۶ .
همچنین مقاله هوبرت ودرین << شکاف در میان نو محافظه کاران ایالات متحده >> لو موند دیپلوماتیک سپتامبر ۲۰۰۶

۱۱ (اعلامیه ۲۶ فوریه ۲۰۰۶

۱۲ ((پیتر بیکر <> واشنگتن پست ، ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۶ ،

۱۳ (< > << The conservative crack-up >> The National Catholic Reporter ، (کانزاس سیتی ، اول سپتامبر ۲۰۰۶

۱۴ (<> (E.J.Dionne Jr. واشنگتن پست ، ۲۹ اوت ۲۰۰۶ . همچنین مقاله << از بین رفتن یک متحد بوش >> ،

www.monde-diplomatique.fr/carnet/2006-08-10-lieberman

۱۵ ((برنامه تلویزیونی >> Fox News Sunday >> ، ۲۰ اوت ۲۰۰۶

۱۶ (- www.washingtonpost.com/wp-

dvn/content/article/2006/07/18/AR2006071801373.html